سه شنبه 3 /7/1403-20ربیع الاول 1446 -24سپتامبر 2024-درس 11فقه القیاده (فقه رهبری سازمانی ) –عدالت شرط نفوذ مدیر قائد درکارکنان .

مساله 2: شرط صحت قیادت مدیران، تلبس به عدالت است به عنوان وسیله نفوذ در قلوب وباطن کارکنان به هدف انگیزش آنان

شرح مساله : معلوم شد انگیزش واجب است بلکه از اوجب واجبات است برای بهبود مستمر و تعالی سازمان . مقدمه انگیزش قیادت و رهبری است که با نفوذ و هدایت این انگیزش را باید ایجاد کند آنهم قیادت رفتاری نه ساختاری سوال این است که عناصر این قیادت چه هستند راهکار ایجاد انگیزش چیست در پاسخ باید گفت که عدالت شرط نفوذ و علم شرط هدایت است و هر دو شرط قیادت موثر هستند .

اولا اثبات شرطیت عدالت برای نفوذ :

در فقه امامیه [[1]](#footnote-1) برای مناصبی هم چون رهبری ،مرجعیت ،قضاوت ، امامت جمعه و جماعت و...... را مشروط به عدالت کرده اند این عدالت به معنای عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره است ویا به معنای انجام واجبات و ترک محرمات و احراز آن به حسن ظاهر است . این نوع عدالت عمدتا در رهبری ساختاری شرط است یعنی مناصب (والبته شامل رهبری رفتاری هم میشود یعنی عدالت درونی که به تفصیل حول آن بحث میکنیم) .لابد برای نافذ بودن امرشان .

در قرآن کریم هم به رعایت عدالت در جامعه توسط رهبران و پیروان تاکید شده است:

1. ان الله یامر بالعدل [[2]](#footnote-2)
2. امرت لاعدل بینکم[[3]](#footnote-3)
3. ولاتتبعوا الهوی ان تعدلوا[[4]](#footnote-4)
4. اعدلوا هو اقرب للتقوی[[5]](#footnote-5)

در احادیث نیز به تبع قرآن به رعایت عدالت در حکمرانی و مدیریت جامعه تاکید شده است مانند کلمات زیر از مولی امیر المومنین ع:

1. جَعَلَ اللهُ الْعَدْلَ قِواماً لِلْاَنامِ وَ تَنْزیهاً مِنَ الْمَظالِمِ وَ الْآثامِ وَ تَسْنِیةً لِلْاِسْلامِ
2. بِالْعَدلِ تَصْلَحُ الرَّعِیَّةُ
3. ثُباتُ الدُّوَلِ بِاقامَةِ سُنَنِ العَدلِ
4. بِالْعَدْلِ تَتَضاعَفُ الْبَرَکاتُ
5. ما عُمّرت البلدان بمثل العدل؛

اما آنچه در مانحن فیه یعنی ***قیادت و رهبری رفتاری*** سازمانی مهم است عدالت درونی قائد است که عامل نفوذ او میشود در درون کارکنان عناصر اصلی این نوع از عدالت عبارتند از عفت ،شجاعت و حکمت[[6]](#footnote-6) است که نفوذ می آورد یعنی رهبر عفیف ،شجاع و حکیم میشود رهبر عادل و نفوذ در قلوب میکند . و این همان محل نزاع است یعنی قیادت و رهبری رفتاری زیرا

1. عفت[[7]](#footnote-7) عدالت در شهویه است
2. شجاعت عدالت در غضبیه است
3. و حکمت عدالت در وهمیه است

در نتیجه مدیر عادل یعنی شجاع عفیف و حکیم جای دارد که نافذ باشد در قلوب کارکنان نفوذ کند و انگیزش در آنان ایجاد نماید.

از دیگر سوی عقل حاکم و مستقل است به عدالت و عدل را حسن میداند و ظلم را قبیح میداند ، اعم ازعدالت سازمانی توزیعی ،رویه ای و مراوده ای[[8]](#footnote-8) و اعم از عدالت درونی ،عدالت اجتماعی و....که مجموعا نفوذ ایجاد میکند همه از نظر عقل حسن و نیکو است .و همگان بویژه مدیران به حکم عقل باید به آن آراسته و آن را برای رعیت رعایت نمایند .لابد برای نافذ بودن امرشان .

لذا عدالت شرط نفوذ مدیر قائد است در قلوب کارکنان شرطیتی لازم التحصیل برای واجب مطلقی به نام قیادت رفتاری.که در نوبت قبل در مساله1وجوب آن اثبات شد فافهم

***فتحصل*** که شرط صحت قیادت مدیران، تلبس به عدالت است به عنوان وسیله نفوذ در قلوب وباطن کارکنان به هدف انگیزش آنان (والله العالم)

1. |  |
   | --- |
   | در شریعت اسلام وفقه امامیه وجودعدالت در رهبر (حاکم)، مرجع تقلید، قاضی، امام جماعت و جمعه، شاهد،امین، حاکم بر اموال ایتام، وصی و امانت‏گیر شرط است. انشاءاین تکلیف، نشان ازاهمیت عدالت درفقه اسلام دارد. باید صاحبان منصب ازرهبرتا پایین ترین سطح از شرط شرعی عدالت بهره‏مند باشند. که نمونه آن درحکومت نبوی وعلوی درصدراسلام مشاهده و سازوکار آن بصورت کلی درقانون اساسی جمهوری اسلامی و فرامین امامین انقلاب اسلامی و احکام مسئولیتی و حکومتی قابل دستیابی است. نتیجه اعمال شرط عدالت در کارگزاران، رشد معنوی و مادی جامعه، توزیع عادلانه ثروت، رفاه وا منیت است، و با عدم وجود و اعمال شرطیت عدالت در مناصب؛ جامعه دچار تزلزل، تشتت، فاصله طبقاتی، ظلم و فساد اقتصادی، قلب واقعیت و تحریف ارزش‏های الهی وانسانی خواهد شد. لازم است خلاء‏های قانونی اعمال شرطیت عدالت درمناصب حکومتی، خصوصا در مناصب میانی حاکمیت با تقنین قوانین مورد نیاز و اعمال آن توسط مراجع مجری و ناظر جبران گردد. |

   [↑](#footnote-ref-1)
2. النحل : 90 إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إيتاءِ ذِي الْقُرْبى‏ وَ يَنْهى‏ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

   ((ان الله یإمر بالعدل والاحسان, العدل الانصاف والاحسان التفضل)).(13)  
   از معنى این آیه شریفه از حضرت سوال شد, فرمود: عدل ستم نکردن و انصاف است و احسان نیکویى کردن و بخشش است. 13 . قصار الحکم, 231. [↑](#footnote-ref-2)
3. الشورى : 15 فَلِذلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ لا حُجَّةَ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنا وَ إِلَيْهِ الْمَصيرُ پس به همين خاطر تو نيز آنان را به سوى اين آيين واحد الهى دعوت كن و آن چنان كه مأمور شده‏اى استقامت نما، و از هوى و هوسهاى آنان پيروى مكن، و بگو: «به هر كتابى كه خدا نازل كرده ايمان آورده‏ام و مأمورم در ميان شما عدالت كنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتيجه اعمال ما از آن ما است و نتيجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصى در ميان ما نيست؛ و خداوند ما و شما را در يك جا جمع مى‏كند، و بازگشت (همه) به سوى اوست!» (15) [↑](#footnote-ref-3)
4. یا اَیُّها الّذینَ آمَنوُا کونُوا قَوّامینَ بِالقِسطِ شُهَداءَ لِلّهِ وَلَو عَلَی اَنْفُسِکُمْ اَوِ الوالدیْنِ و الاَقربینَ اِن یَکُنْ غَنیّاً اَوْ فقیرَاً فالله اَولَی بِهِما فَلَاتتَّبِعُوا الهَوی اَن تَعْدِلوا؛ [‌ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید؛ اگرچه بر ضرر خود یا [پدر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%AF%D8%B1" \o "پدر" \t "_blank) و [مادر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A7%D8%AF%D8%B1" \o "مادر" \t "_blank) و خویشان شما باشد، چه [فقیر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%DB%8C%D8%B1" \o "فقیر" \t "_blank) باشند و یا [توانگر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%86%DA%AF%D8%B1" \o "توانگر (پیوندی وجود ندارد))، پس (در هر حال) خداوند سزاوارتر است (که جانب او را مراعات کنید) پس پیروی هوای نفس مکنید که از حق منحرف خواهید شد.»  
   آری پیروی از [هواوهوس](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%87%D9%88%D8%A7%D9%88%D9%87%D9%88%D8%B3" \o "هواوهوس" \t "_blank)، روحیه عدالت‌خواهی را تضعیف می‌کند. دیده خدابین را کور می‌نماید و روزنه خودبینی را می‌گشاید و سرانجام انسان را وا می‌دارد تا به ملاحظه پدر و مادر و خویشان و اقوام، پا روی حقیقت بگذارد و از اجرای عدل سرباز زند.  
   [کینه](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%A9%DB%8C%D9%86%D9%87" \o "کینه" \t "_blank) با دشمنان نیز از دیگر عواملی است که فرد را وا می‌دارد تا عدالت را نادیده انگارد. از این‌رو قرآن کریم تاکید فرموده است تا [مؤمنان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A4%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%86" \o "مؤمنان" \t "_blank) از بازگو کردن سخن حق در هیچ شرایطی خودداری نکنند و رعایت عدالت را بر هر چیز دیگر مقدم دارند:  
   «یَا اَیُّها الَّذینَ آمَنوا کونُوا قَوّامینَ لِلّهِ شُهداءَ بِالقِسطِ وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنآنُ قَوْمٍ علَی اَلّا تَعْدِلو اِعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتقوی؛

    ای مؤمنان، برای خدا قیام کنید و به عدالت گواهی دهید و دشمنی قومی، شما را وادار نکند که عدالت نکنید، عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر است.» [↑](#footnote-ref-4)
5. المائدة : 8 يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامينَ لِلَّهِ شُهَداءَ بِالْقِسْطِ وَ لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلى‏ أَلاَّ تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبيرٌ بِما تَعْمَلُونَ

   اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد! همواره براى خدا قيام كنيد، و از روى عدالت، گواهى دهيد! دشمنى با جمعيّتى، شما را به گناه و ترك عدالت نكشاند! عدالت كنيد، كه به پرهيزگارى نزديكتر است! و از (معصيت) خدا بپرهيزيد، كه از آنچه انجام مى‏دهيد، با خبر است! (8) [↑](#footnote-ref-5)
6. عفت زیربنای [علم اخلاق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82) است زیرا علمای اخلاق زیر بنای اخلاق نیک را چهار چیز شمرده‌اند: [حکمت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA" \o "حکمت" \t "_blank)، [شجاعت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%AC%D8%A7%D8%B9%D8%AA" \o "شجاعت" \t "_blank)، [عدالت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%AA" \o "عدالت" \t "_blank) و عفت.  
   در تفکر اسلامی عفت شامل منزه‌بودن و پاکی دست و زبان و شکم و دامن از هر گونه عیب و بدی است لذا عفت معنای عامی داشته و تمامی امور نفسانی را شامل می‌شود، مانند: پاکی چشم، پاکی زبان، ... و منحصر به پاک‌دامنی نیست ولی در فرهنگ اجتماعی ما مسئله عفت بیشتر در پاکدامنی زن و مرد مطرح است.  
   در روایات، از عفت و پاکدامنی، به بالاترین شرافت‌ها، نتیجه عقل، برترین [عبادت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%AF%D8%AA" \o "عبادت" \t "_blank)، کمال [نعمت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B9%D9%85%D8%AA" \o "نعمت" \t "_blank) و به معنای خویشتن‌داری در کردار و گفتار تعبیر شده است، [امام علی (علیه‌السلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "امام علی (علیه‌السلام)" \t "_blank) می‌فرماید: مجاهدی که در راه خدا به [شهادت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%87%D8%A7%D8%AF%D8%AA" \o "شهادت" \t "_blank) می‌رسد پاداشش از کسی که توان انجام [گناه](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87" \o "گناه" \t "_blank) را دارد ولی خود را کنترل می‌کند و عفت به خرج می‌دهد بیشتر نیست. انسان پاک نزدیک است فرشته‌ای از فرشتگان گردد. چرا چنین نباشد، در حالی که انسان عفیف در [جهاد اکبر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%DA%A9%D8%A8%D8%B1" \o "جهاد اکبر" \t "_blank) به پیروزی رسیده، ولی مجاهد فی سبیل‌الله، پیروزی را در [جهاد اصغر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%D8%B5%D8%BA%D8%B1" \o "جهاد اصغر" \t "_blank) به دست آورده است.  
   تنها دین نیست که ما را به عفاف و پاکدامنی فرا می‌خواند، بلکه این ندا از درون آدمی نشات می‌گیرد، که دین نیز آن را تایید می‌نماید. [غیرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%AA" \o "غیرت" \t "_blank)، [جوانمردی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86%D9%85%D8%B1%D8%AF%DB%8C" \o "جوانمردی (پیوندی وجود ندارد)) و کرامت نفسانی همگی انسان را به عفاف دعوت می‌کنند که طبق روایت، عفت و پاکدامی اصل جوانمردی است علاوه بر این، هویت انسان در سایه قوام عفاف آشکار می‌گردد، از این‌رو از متون دینی نیز می‌توان دریافت که رابطه‌ای معقول و منطقی بین رشد عفاف و عقل وجود دارد و تعاملی متقابل بین این دو برقرار می‌باشد، به همین جهت امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: هر آن کس که عقل دارد، عفاف می‌ورزد، زیرا منشا هر دو صفت، حرکت به سوی تعادل و پرهیز از [افراط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B7" \o "افراط" \t "_blank) و [تفریط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%81%D8%B1%DB%8C%D8%B7" \o "تفریط" \t "_blank) است.

   **[۴ - انواع شهوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%B9%20%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%AA)**

   وقتی می‌گوئیم شهوت، فقط شهوت جنسی مراد نیست بلکه مفهوم عام آن مراد است، مثل شهوت مال، جاه، خوردن، تکلم‌کردن و...، عفت در همه این‌ها کنترل کننده است.

   [[](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot3)

   **[۵ - مقابل عفت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D9%85%D9%82%D8%A7%D8%A8%D9%84%20%D8%B9%D9%81%D8%AA)**

   عفت از مهم‌ترین فضایل انسانی محسوب می‌شود، برخی برای معرفی آن از، ضدش [هتّاکی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%AA%D8%A7%DA%A9%DB%8C" \o "هتاکی (پیوندی وجود ندارد)) (پرده‌دری) استفاده می‌کنند به همین علت در بسیاری از موارد عفت را در مورد [پرهیزکاری](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%B1%D9%87%DB%8C%D8%B2%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C" \o "پرهیزکاری" \t "_blank) در خصوص، مسایل جنسی استعمال کرده‌اند، در حقیقت عفت حد [اعتدال](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%AF%D8%A7%D9%84" \o "اعتدال" \t "_blank) [شرّه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D9%87" \o "شره" \t "_blank) و [خمودی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%85%D9%88%D8%AF%DB%8C" \o "خمودی (پیوندی وجود ندارد)) است.[

   شرّه فرو رفتن انسان در شهوات است و خمودی یعنی بی‌حرکتی در جهت لذات مشروع که [بدن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%AF%D9%86" \o "بدن" \t "_blank) به آن‌ها به‌طور طبیعی و از سر ضرورت بدنی، احتیاج دارد. [پاکدامن](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%A7%DA%A9%D8%AF%D8%A7%D9%85%D9%86" \o "پاکدامن" \t "_blank) کسی است که اعمالش مطابق [شریعت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D8%B9%D8%AA" \o "شریعت" \t "_blank)، [عقل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%82%D9%84) و جوانمردی باشد.

   **[۶ - نتایج عفت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D9%86%D8%AA%D8%A7%DB%8C%D8%AC%20%D8%B9%D9%81%D8%AA)**

   [شرم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D9%85" \o "شرم" \t "_blank)، [پرهیز](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%B1%D9%87%DB%8C%D8%B2" \o "پرهیز" \t "_blank)، [شکیبایی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9%DB%8C%D8%A8%D8%A7%DB%8C%DB%8C" \o "شکیبایی" \t "_blank)، [بخشندگی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C" \o "بخشندگی" \t "_blank)، [قناعت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D9%86%D8%A7%D8%B9%D8%AA" \o "قناعت" \t "_blank)، [نرم‌خویی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B1%D9%85%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%DB%8C%DB%8C" \o "نرم‌خویی" \t "_blank)، [نظم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B8%D9%85" \o "نظم" \t "_blank)، [پندپذیری](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D9%86%D8%AF%D9%BE%D8%B0%DB%8C%D8%B1%DB%8C" \o "پندپذیری" \t "_blank)، [خوش‌رفتاری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%88%D8%B4%E2%80%8C%D8%B1%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C" \o "خوش‌رفتاری" \t "_blank) و [وقار](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D9%82%D8%A7%D8%B1" \o "وقار" \t "_blank) در نتیجه عفت‌ورزی بوجود می‌آیند.

   . [↑](#footnote-ref-6)
7. **عفت** در [لغت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%BA%D8%AA" \o "لغت" \t "_blank)، به معنای خودنگهداری و در اصطلاح اخلاق، به معنی خویشتن‌داری در برابر تمایلات افراط‌گونه نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی است.  
   عفت یکی از فضائلی است که در [قرآن](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \o "قرآن" \t "_blank) مورد توجه واقع شده است و در تفکر اسلامی عفت شامل منزه‌بودن و پاکی دست و زبان و شکم و دامن از هرگونه عیب و بدی است و زیربنای [علم اخلاق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82" \o "علم اخلاق" \t "_blank) است.

   عفت در [لغت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%BA%D8%AA)، خودنگهداری و پدید آمدن حالتی برای [نفس](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%81%D8%B3" \o "نفس" \t "_blank) و [جان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D8%A7%D9%86" \o "جان" \t "_blank) آدمی است که به وسیله آن از غلبه و تسلط [شهوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%AA" \o "شهوت" \t "_blank) جلوگیری می‌شود و اصلش بسنده کردن در گرفتن چیز اندک است.  
   و طلب عفت و [پاکدامنی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%A7%DA%A9%D8%AF%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C" \o "پاکدامنی" \t "_blank) و بازایستادن از [حرام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%85" \o "حرام" \t "_blank)، [استعفاف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B9%D9%81%D8%A7%D9%81" \o "استعفاف" \t "_blank) نام دارد.[

   عفت در اصطلاح اخلاق، به معنی خویشتن‌داری در برابر تمایلات افراط‌گونه نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی، که نقطه مقابل شهوت است، گفته می‌شود و باید [قوه شهوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D9%88%D9%87_%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%AA" \o "قوه شهوت" \t "_blank) در خوردن و [آمیزش جنسی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D9%85%DB%8C%D8%B2%D8%B4_%D8%AC%D9%86%D8%B3%DB%8C" \o "آمیزش جنسی" \t "_blank)، مطیع [عقل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%82%D9%84" \o "عقل" \t "_blank) باشد و از چیزی که عقل و [شرع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%B9" \o "شرع" \t "_blank) [نهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%87%DB%8C" \o "نهی" \t "_blank) کرده، اجتناب نماید و این حد اعتدال در شرع، ستوده شده است.[ [↑](#footnote-ref-7)
8. **عدالت سازمانی** : عدالت درلغت به معنای دادگری وانصاف داشتن است و عدالت اجتماعی به معنی عدالتی است که همه افراد جامعه از آن برخوردار می باشند.

   ابعاد عدالت سازمانی بر اساس مدل سه بعدی به شرح زیر است:

   **1-عدالت توزیعی**

    تعریف مفهومی: عدالت توزیعی به قضاوت منصفانه از توزیع نتایج اشاره دارد. مثل سطح پرداخت با فرصتهای ارتقا در یک بافت سازمانی. آدامز عدالت توزیعی را ادارک افراد از منصفانه بودن بودن نتایج و پیامدهای ادراک شده توشط افراد تعریف می کند.

   تعریف عملیاتی: عبارت است از منصفانه بودن برنامه کاری، سطح پرداخت، بار کاری منصفانه، پاداش عادلانه، مسئولیت های شغلی عادلانه ؛

   **۲-عدالت رویه ای**

   تعریف مفهومی: عدالت رویه ای عبارت است از یک سری گام های متوالی برای هدایت رفتارها و قضاوت ها در تخصیص منابع. که افراد با این رویه ها مواجه می شوند درباره عادلانه بودن آنها به قضاوت میپردازند. بنابراین عدالت رویه ای با برداشت افراد از عادلانه بودن رویه های جاری در تصمیم گیری برای جبران خدمت شان- نه با توزیع واقعی درآمدها- مرتبط است. مانند رویه های جاری درارزیابی عملکرد افراد درسطوح مختلف جامعه یا سازمان.

   تعریف عملیاتی: عبارت است از علاقه سرپرست برای ارزیابی عملکرد کارکنان،صادق بودن در رسیدگی از عملکرد کارکنان،در نظر گرفتن دیدگاه های کارکنان.

   **٣ -عدالت مراوده ای**

    تعریف مفهومی: عدالت مراوده ای به روند ها و رفتارها یی که پیامدهابه وسیله ی آن توضیح داده می شود، تعریف می شود. عدالت مراوده ای به کیفیت فرایندها و رفتارهای میان افراد( یعنی صحبت مودبانه و با احترام) و همچنین به میزانی که علت و دلیل بروز نتایج شرح داده می شود، اشاره دارد.

   تعریف عملیاتی: عبارت است از تصمیم گیری درباره شغل با عزت و احترام، حساس بودن سرپرست نسبت به نیازهای شخصی کارکنان، اتخاذ تصمیم در مورد شغل کارکنان بصورت صادقانه ، نگران بودن در مورد حقوق کارکنان، اتخاذ تصمیم سرپرست درباره شغل به صورت منطقی ، شرح تصمیم سرپرست در مورد شغل بصورت شفاف. [↑](#footnote-ref-8)